

انجمن حجتیه از پیدایش تا امروز

مقدمه

ردیه نویسی، اذیت و آزار به پیروان دیانت بانی و بعداً بهائی مسئله ای نیست که تازگی داشته باشد. از ابتدای پیدایش این دو دیانت پیروان آن همواره در ایران مورد اذیت و آزار، مصادره اموال و کشتار قرار گرفته اند. اما با تشکیل گروه حجتیه ردیه نویسی و آزار به بهائیان جنبه سیستماتیک به خود گرفت. این گروه با شبکه هائی که در سر تا سر ایران به وجود آورده، به یک مبارزه همه جانبه به جامعه بهائی روی آورد. چون جامعه بهائی هیچ کار مخفی نداشت و انسانها را با آغوش باز می پذیرفت گروه حجتیه توانست به راحتی در آن نفوذ کند و صدماتی به جامعه بهائی بزند. هدف از نوشتن این مقاله بررسی مختصری از تاریخ تشکیل، بافت و اهداف گروه حجتیه است. ضمناً باید یاد آور شویم که گروه حجتیه در دوران محمد رضا شاه از کمک های بی دریغ دستگاه امنیت و امکانات مالی بخش بزرگی از جامعه شیعیان ایران برخوردار بوده است. بدین ترتیب حجتیه با امکانات مالی و انسانی فراوان با گروهی به مبارزه بر می خیزد که فاقد این امکانات بوده است.

۱- تشکیل انجمن حجتیه

روحانیت شیعه بعد از شهریور ۱۳۲۰ و خلع رضا شاه از سلطنت قدرت از دست رفته را مجدداً به دست آورد. در این دوران روحانیت شیعه با سه جریان مختلف روبرو گردید: (۱) محصلین ایرانی بازگشته از اروپا و آشنائی آنها با علوم جدید و مظاهر تجدد که با برداشت های سنتی آنها به هیچ وجه همخوانی نداشت. و تعداد روز افزون دانشجویان که تحت نفوذ معلمین و استادان از اروپا برگشته بودند. اینها قدرت روحانیون را سخت خدشه دار کرده بودند. (۲) نیروهای چپ که هیچ گونه سازشی با تفکرات دینی نداشتند و روحانیت در کل مورد قبول آنها نبود. (۳) بهائیان که منکر قدرت روحانیون بودند و پایه نسبتاً بزرگی در جامعه داشتند.

مطلب مورد بررسی این مقاله مربوط به رویارویی روحانیون شیعه با بهائیان در ایران است. چون بهائیان هم خدابرست بودند و هم دخالتی در مسائل سیاسی کشور نمی کردند تنها روحانیت می توانست از جنبه اعتقادی با بهائیات روبرو شود و همه ابتکارات خود را برای اثبات نادرست بودن اعتقادات آنها به کار برد. یکی از مسائلی که برای آنها بسیار حائز اهمیت بود وجود قائم و ظهور آن بود. به اعتقاد شیعیان شخصی به نام محمد بن حسن در سال ۲۶۰ ه.ق. به غیبت رفته و در آخر زمان با ظهور خود جهان اصلاح و شیعیان را پیروز خواهد کرد. روحانیون برای اثبات حقانیت خود سعی نمودند که تفکرات دیگران را نادرست بخوانند. آقای طاهر احمد زاده، از فعالین ملی مذهبی و استنادار خراسان بعد از انقلاب ۱۳۵۷، می گوید که در اوائل تشکیل انجمن حجتیه در سال های ۱۳۳۰ "روزی به آقای سجادی از فعالین انجمن حجتیه گفتم: اگر شما می خواهید تبلیغات ضد بهائی کنید مانعی ندارد. ولی در مقابل آن بگوئید که اصلاً پیام اسلام چیست؟ بهائی باطل اما اسلام چه می گوید؟ به او گفتم تو مطالعه کن که در مقابل بهائیت اسلام چه چیز را می تواند عرضه کند تا این که قضیه دستگیری پیش آمد و ایشان در جلسات بعد از آن ماجری فقط راجع به بهائیت صحبت کرد."

(۱)

راجع به این مطلب که دستگاه امنیت ایران علاقه مند بوده است که حجتیه بر علیه بهائیان اقدام کند دیرتر صحبت خواهیم کرد.

۱- الف) پایه گذار انجمن حجتیه

پایه گذار انجمن حجتیه شخصی به نام شیخ محمود ذاکرزاده تولائی معروف به حلبی است که در سال ۱۲۷۹ شمسی در مشهد متولد شده. تحصیلات وی در زادگاهش شهر مشهد بوده است. آقای حلبی چند سالی شاگرد میرزا مهدی اصفهانی از طرفداران مکتب اخباری و از مخالفین علم فلسفه بوده است. آقای حلبی تحت تأثیر افکار او به اعضای حجتیه توصیه می کرده است که: "گوش به حرف

های اینها ندهید! نه حکمت، نه فلسفه، نه عرفان و تصوف! تابع فقهاء و محدثین باشید!" (۲) به گفته آقای رسول جعفریان کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ کارهای تبلیغی در قالب منبر بود و در این کار مهارت و شهرت خاصی به دست آورد. آقای حلبی به همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و انجمن ها و هیئت های مذهبی به طور منظم با بهائیان درگیر بودند. انجمن ها و هیئت ها کدام بودند؟ آقای احمدزاده می گوید غیر از مرحوم حلبی افراد دیگری مانند شیخ علی اکبر نوقانی استاد محمد تقی شریعتی (پدر دکتر شریعتی معروف) در جلساتی با مبلغین بهائی روبرو می شدند. ما حصل فعالیت های آنها شکل دادن به یک جمعیت به نام هیئت مؤتلفه اسلامی شد. هیئت های مؤتلفه اسلامی برای جلوگیری از گسترش نفوذ بهائیان دو نفر را مأمور تحقیق پیرامون عقائد بهائیان می کنند تا از این راه امکانات تربیت کادر های زبده برای مقابله فکری با بهائیان فراهم آورند. به همین منظور شیخ محمود حلبی و سید عباس علوی مأمور به این تحقیقات می شوند. اما بر خلاف نظر آنها سید عباس علوی بعد از مدتی همنشینی با بهائیان خود بهائی می شود. و کمی بعد در زمره مبلغان بهائی در می آید. این مسئله زنگ خطری برای روحانیون بود و آنها را به فکر مبارزه جدی تری بر علیه بهائیان ترغیب کرد. جمعیت مؤتلفه اسلامی از شش گروه و به ریاست آقای حلبی تشکیل می شود ولی چند سال بعد آقای حلبی مشهد را ترک کرده و ساکن تهران می شود. (۳)

۱- ب) سفر حلبی به تهران و رسمیت دادن به انجمن آقای احمدزاده معتقد است که سفر آقای حلبی به تهران به انگیزه تشکیل انجمن حجتیه بود: "شیخ در خانه خود محفل به وجود آورده بود و افرادی را برای مبارزه با بهائیان آموزش می داد و صحنه سیاست را ترک گفت." (۴) باید یاد آور شویم که آقای حلبی در دوران مصدق در مسائل سیاسی ایران فعال بود ولی به علت اختلافاتی که بین ملیون و روحانیت بروز کرد آقای حلبی به طرف داری از روحانیت به فرم ظاهر از سیاست کناره گرفت.

در جواب سؤال مصاحبه کننده که خط مشی محفل حجتیه از چه تاریخی شکل علنی تری به خود گرفت چنین جواب می دهد: "در آستانه الحاق ایران به پیمان [نظامی] بغداد که در واقع پیمانی علیه مصر بود یک مرتبه آقای فلسفی در مسجد شاه به منبر رفت و موضع شدیدی را بر علیه بهائیت اعلام کرد. بدنبال آن مرجع تقلید آن زمان مرحوم بروجردی هم آن را تأیید کرد. تیمسار باتمانقلیچ رئیس ستاد ارتش هم با کلنگی بر دوش مرکز بهائیان را در تهران تخریب نمود. در این مقطع حساس مردم به مسئله بهائیان سرگرم شدند. پس از امضای قرار داد در سال ۱۳۳۴ یک مرتبه تب مبارزه با بهائیت فروکش کرد." (۵) اما ما می دانیم که دوران فلسفی و حمله به مراکز بهائی چه ضرر هائی به جامعه بهائیان ایران زده شد. هزاران کارمند از ادارات اخراج شدند. کلیه مراکز بهائی، حتی قبرستان های آنها به اشغال دولت در آمد. هزاران نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند. و جامعه بهائی باید ضرر های فراوانی را تحمل می کرد. بهائیان قربانی مسئله ای شدند که هیچ ربطی نه به آنها و نه به اسلام داشت.

پس از قضایای سال ۱۳۳۴ آقای حلبی به تشکیلات خود رسمیت می دهد و نهایتاً در سال ۱۳۳۶ آن را به نام "انجمن حجتیه مهدویه" به ثبت می رساند. اساس نامه انجمن دارای یک فصل دو ماده هشت بند و دو تبصره. (ضمیمه شماره ۱)

تبصره یک عبارت است از این که هدف انجمن تا ظهور قائم موعود غیر قابل تغییر است. و در تبصره دو آمده: "انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت. و نیز مسؤلیت هر نوع دخالتی را که در زمینه سیاسی که از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد بر عهده نخواهد داشت." (۶)

آقای حلبی با زیرکی این دو تبصره را در اساسنامه ذکر کرده است. تبصره اول برای این که هیچ گاه و در هیچ شرایطی انجمن منحل نخواهد شد. و دومی را برای جلب نظر دستگاه امنیتی ایران تا بتواند به فعالیت بر علیه جامعه بهائی ادامه دهد.

آیت الله خزعلی عضو شورای نگهبان سابق و عضو مجلس خبرگان فعلی در باره تبصره دو چنین می گوید: "امری خیلی مهم برای مسلمین بود. آنها (انجمن) سعی کردند که در انقلاب شرکت نکرده و به

این مهم پیردازند. چون فکر نمی کردند انقلاب پیروز شود. اجازه فعالیت سیاسی به افراد انجمن داده نمی شد. و علت آن هم این بود که افراد اگر بخواهند کار سیاسی کنند سازمان دهی انجمن پاشیده شده و نمی تواند دیگر با بهائیت مبارزه کند. و در ضمن چون این حرکت نشئت گرفته از فتوای مرجع انجمن (آیت الله خوئی) آنها از نظر شرعی نیز اشکالی در کار خود نمی دیدند. " (۷) به گفته علی اکبر پرورش از فعالین انجمن حجتیه: "انجمن از اعضای خود تعهد مکتوب بر عدم فعالیت سیاسی می گرفت. " (۸)

انجمن حجتیه به زودی موفق می شود که در اکثر شهر های ایران گروه هائی را سازمان بدهد و از تهران فعالیت آنها را هدایت کند.

۲- بافت انجمن حجتیه

انجمن حجتیه دارای بافت بسیار پیچیده ای است که در اینجا مختصراً به آن اشاره می شود.

۲-الف) کمیته تدریس

این کمیته خود دارای رتبه های متعدد است که در آن افراد ابتداء به مسائل اسلامی و بعداً تاریخ و عقائد بهائیان تعلیم داده می شوند. بالاترین مرحله آموزش نقد "کتاب ایقان" از مهمترین تألیفات بهاءالله است. کار دیگر این کمیته جذب نیرو های جوان و مستعد به انجمن است.

۲-ب) کمیته تحقیق

این کمیته خود به دسته های مختلفی تقسیم می شود. دسته ای مأمور به پیدا کردن راه های مختلف برای ورود به جامعه بهائی هستند و دستور دارند که به ظاهر خود را بهائی فعال نشان دهند و حتی در بعضی از مراحل به انجمن حجتیه حمله کنند تا اعتماد بیشتر بهائیان را به خود جلب کنند. دسته دیگری مسؤل شناسائی مبلغین و مسؤلین جامعه بهائی و محل برگزاری جلسات می باشند. و دسته سوم مسؤل شناسائی علاقه مندان به تحقیق در بهائیت هستند.

۲-ج) کمیته نگارش

کار این کمیته تهیه کتب، مدارک، مطالعه آنها و ردیه نویسی بر علیه اعتقادات بهائیان است.

۲-د) کمیته تعقیب

کار این گروه با استفاده از وسائل نقلیه از قبیل مَتر، مَترسیکلت و ماشین در نظر گرفتن رفت و آمد و فعالیت های مبلغین بهائی و خبر دادن به مسؤل گروه مناظره است.

۲-ه) کمیته بحث و مناظره با مبلغین بهائی

کار این گروه ورود غیر منتظره به جلسات تبلیغی بهائیان و درگیری با مبلغ و صاحب خانه ایجاد سرو صدا و به هم زدن جلسه بوده است.

۲-و) کمیته تدارکات

کار این کمیته برگزاری سمینار ها و کنفرانس ها برای اعضای انجمن و علاقه مندان به آن جهت تشریح اهداف انجمن حجتیه است.

۲-ز) کمیته ارتباطات با خارج

کار این کمیته ارتباطات با گروه های فعال انجمن حجتیه در خارج از کشور است و شرکت در جلسات بهائیان در آنجا به هدف به هم زدن جلسات.

۲-ح) کمیته نظارت بر مدرسین

کار این کمیته کنترل کمیته اول (تدریس) می باشد تا فقط در باره اهداف انجمن به محصلین تدریس شود و از طرح مسائل دیگر خود داری شود.

باید متذکر شد که کمیته های نام برده کاملاً در خفا فعالیت می کردند و اعضای از نام و نشان و فعالیت های اعضای سایر کمیته ها بی خبر بودند. (۹)

۳ - رابطه انجمن حجتیه با دستگاه امنیت در دوران حکومت محمد رضا شاه

در تاریخ ایران گاهی اقلیت های مذهبی قربانی اختلافات روحانیون با همدیگر و یا اختلافات روحانیون با حکام می شدند. علت حمله ناگهانی فلسفی با استفاده از رادیو به جامعه بهائی قبلاً مختصراً از قول یکی از فعالین سیاسی آن روزگار شرح دادیم. در اینجا ابتدا نگاهی به رابطه انجمن حجتیه با دستگاه امنیتی ایران می اندازیم. و بعداً علت این رابطه را در حد مقدور شرح می دهیم.

۳ - ۱) همان طور که قبلاً شرح دادیم تبصره ۲ اساسنامه انجمن هر نوع فعالیت سیاسی از طرف اعضای خود ممنوع اعلام می کند. و بدین ترتیب عملاً حمایت دستگاه امنیت را به خود جلب می کند. حد اعتماد دستگاه امنیت به آقای حلبی در سند زیر آشکار می شود. رئیس واحد اطلاعات دستگاه امنیت دستور می دهد که هر اقدام نسبت به گروه (حجتیه) با نظر وی (حلبی) باشد:

"پیرو نامه شماره ۱۷۱/۲۰۱۲۵-۱۲۵۲۵/۱۷-۳۶/۱/۱۷ سازمان اطلاعات و امنیت تهران. خواهشمند است دستور فرمائید از هر گونه اقدام و نظراتی که نسبت به اعضاء پنج نفر یادشدگان در نامه پیروی مذکوره عمل خواهند آورد. این واحد را نیز آگاه سازند. ضمناً چون تجمع نامبردگان جنبه ضدیت با مسلک بهائی را دارد و برابر اطلاع حاج شیخ محمود ذاکرزاده تولائی معروف به حلبی از گردانندگان این جلسه با بخش ۲۱ سازمان اطلاعات و امنیت تهران همکاری هائی دارد اصلح است هرگونه اطلاعی در مورد جلسه متشکله را قبل از احضار بقیه از مشار الیه استفسار نمایند. ح

رئیس واحد اطلاعاتی کمیته مشترک ضد خرابکاری - ناصری ۳۶/۱/۲۳" (۱۰)

با این سند همکاری دستگاه امنیت ایران و گروه حجتیه به خوبی آشکار می شود. در سند دیگر که در زیر ذکر می شود حتی دستگاه امنیت به افرادی که از نا دانستگی از روابط انجمن با دستگاه امنیت اقداماتی بر علیه برخی از فعالان حجتیه انجام داده اند مورد توبیخ دستگاه امنیت و رئیس آن قرار می گیرند:

"درباره شیخ محمود تولائی برابر اظهار نامبرده بالا آقای محمود صالحی نماینده انجمن مباحثه و ارشاد بهائیان به دین اسلام از طریق آن ساواک احضار و توضیحاتی در مورد انجمن مذکور از وی خواسته شده. و با آنکه مشار الیه صراحتاً اعتراف نموده که کلیه سوابق امر توسط گردانندگان انجمن در مرکز در اختیار ساواک قرار گرفته معهداً مرتباً به عناوین مختلف اظهار و مورد بازرسی قرار گرفته است. خواهش مند است دستور فرمائید چگونگی و علت احضار نماینده انجمن فوق الذکر را اعلام دارد. مدیر کل اداره سوم - مقدم" (۱۱)

دو سند ذکر شده دلیل قاطع بر همکاری گروه حجتیه با دستگاه امنیت ایران است. اگر اعضای مهم حجتیه از گروه کناره گیری می کردند مورد بی مهری دستگاه امنیت قرار می گرفتند. چون می دانستند تا زمانی که آنها در انجمن فعال هستند به طرف گروه های مخالف دولت نمی روند. بدین سبب خروج فعالین انجمن را از گروه نمی پسندیدند. علی اکبر پرورش از فعالین اولیه انجمن (که بعد از انقلاب ۵۷ به پست های وزارت فرهنگ و نیابت ریاست مجلس رسید) در باره عکس العمل دستگاه امنیت از استعفای خود از انجمن حجتیه چنین می گوید: "وقتی ساواک متوجه شده بود که من از انجمن کنار رفته ام همین نادری [از مسئولین عالی رتبه دستگاه امنیت] ملعون ما را خواست و خیلی فحاشی کرد و گفت چرا دیگر در انجمن نیستی!" (۱۲)

این سؤال مطرح است که چرا دستگاه امنیت ایران علاقه مند به فعالیت انجمن حجتیه بود و آنها را تأیید و کمک می کرد. علت اصلی آن منصرف کردن جوانان مسلمان از ورود به سازمان های چریکی آن روز بود. فعالیت های انجمن بر علیه بهائیان هیچگونه ضرری برای دولت نداشت بلکه بر عکس می توانست نیرو های مخالف دولت را نیز خنثی کند. آقای هاشمی رفسنجانی چنین می گوید: "کاری که انجمن حجتیه می خواستند بکنند این بود که مثلاً جلوی بهائی ها را بگیرند. این همت آنها بود و چون آن کار بی خطر بود استقبال می کردند. یعنی جوانانی بودند که داخل وجودشان تمایل به خدمات دینی بود. اما چون آن میدان باز بود می رفتند آنجا استقبال خطر نمی کردند. رژیم از این گونه کارها خوشش می آمد چون یک مقدار از نیرو ها را مشغول می کرد." (۱۳)

در جلسه ای که دکتر مفتاح (از فعالین معروف مذهبی) از ممانعت سخنرانی های مذهبی انتقاد و گله می کند. آقای حلبی اظهار می دارد: "شما بر خلاف مصالح مملکت صحبت می کنید. دستگیرتان می کنم. ولی ما کمسیونها و کنفرانسهای عظیم تشکیل می دهیم و هیچ کس مزاحم ما نمی شود." (۱۴)

با این مطلب مشخص می شود که فعالیت های انجمن حجتیه نه تنها بعد مذهبی بلکه بیشتر بعد سیاسی داشته است.

از سالهای ۱۳۴۰ به بعد دو سازمان چریکی در ایران به وجود آمد: یکی سازمان چریکهای فدائیان خلق که از سنت چپ نشئت می گرفت. و هیچگونه رابطه ای با گروهها و تفکرات مذهبی نداشت. در مقابل این گروه گروه دیگری تشکیل شد به نام سازمان مجاهدین خلق که از گروه ملی مذهبی از نهضت آزادی جدا شد. اعضای این گروه اکثراً فرزندان روحانیون بزرگ و تجار مسلمان بازار بودند. گروه مجاهدین با فعالیت های نظامی خود برای دولت مشکلات زیادی به وجود آورده بود. تنها گروهی که می توانست افراد متمایل به سازمان مجاهدین را به خود جذب کند و آنها را از فعالیت های سیاسی باز دارد گروه حجتیه بود. از این نظر انجمن بسیار مورد علاقه دستگاه امنیت بوده است. آقای حلبی به کنایه به جوانانی که قصد فعالیت سیاسی داشتند چنین می گوید: "انقلاب و آشوب و اضطراب راه نیاندازید. مگر کار به همین طور آسان است که هر بچه ای اسلحه بردارد... به اسم حکومت اسلامی... الفاظ را در غیر محلش مصرف کند." (۱۵) انجمن حجتیه بدین ترتیب می توانست جوانانی که شوری در سر داشتند با استفاده از این استدلال که چرا با شاه مسلمان مخالفت می کنید که حافظ اسلام است؟ با بهائیان مخالفت کنید که اعتقادات شما را نفی می کند. بدین ترتیب آنها را به مخالفت با جامعه بهائی تشویق می کردند و در این زمینه تا حدود زیادی هم موفق شدند. نگاهی به نام های فعالین سیاسی و اجتماعی امروز ایران که از مدرسه علوی فارغ التحصیل شده اند دلیل این مدعا است. مثلاً دکتر سروش، هاشم آغاجری، عماد باقی و غیره که در مصاحبه ها و مقالات خود به عضویت موقت در حجتیه اعتراف کردند.

با این توضیحات مشخص می شود که انجمن حجتیه با توافق دولت و پشتی بانس مالی و انسانی عظیمی که از او حمایت می کرده است به مبارزه با بهائیان بر می خیزد.

۴- مبارزه حجتیه با بهائیان

انجمن با امکاناتی که ذکر شد از صداقت و زودباوری بهائیان حد اکثر استفاده را کرده و به راحتی توانست افراد مورد نظر خود را تا حدودی به جامعه بهائی وارد کند. این تازه به اصطلاح بهائیان در جامعه ای که هیچگونه حفاظتی نداشت و هیچ مسئله و مطلبی مخفی نبود به آسانی توانستند اطلاعات مورد نیاز از قبیل نام بهائیان، تاریخ و محل برگزاری جلسات، خصوصاً جلسات تبلیغی، نام مبلغین، تاریخ و محل سفرهای مبلغین را به گروه حجتیه منتقل کنند. گروه مناظره آنها در جلسات تبلیغی حاضر شده و موجبات به هم زدن جلسات را فراهم می کردند. آنها مطمئن بودند که شکایت صاحب خانه و یا مراجعه به مقامات انتظامی هیچ گونه خطری برای آنها نخواهد داشت. و از این راه موفق شدند که تا حدود زیادی فعالیت های تبلیغی بهائیان را سد کنند. بعد از انقلاب و دستگیری بهائیان آنطوری که مشخص شد بازجویان آنها اکثراً از افراد حجتیه بودند که خود را به ظاهر بهائی معرفی کرده بودند. این مطلب توسط بهائیان زندانی که موفق شده بودند نامه هایی از طریق دوستان همزندان مسلمان خود به بیرون از زندان بفرستند روشن شد. بازجویان اطلاعات دقیقی از درون جامعه بهائی داشتند. آنها موفق شده بودند که مدارک زیادی از مراکز بهائی به دست آورند. برخی از شهدای بهائی حتی صدای بازجویان خود را که به اصطلاح روزی بهائی بوده اند شناخته بودند. بهائیان در حقیقت قربانی اهداف دو گروه شدند. و هیچ گاه فرصت پیدا نکردند که به حملات قلمی و اتهامات آنها در یک دادگاه عادلان جواب دهند. ربودن و به قتل رساندن برخی از بهائیان را باید به حساب آنها گذاشت. در این زمینه زمانی می شود اظهار نظر قاطع کرد که اسناد دولتی جهت مطالعه در دسترس قرار گیرد.

۵- انجمن حجتیه بعد از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی گروه حجتیه که قبل از انقلاب با دستگاه امنیت کشور همکاری می کرد و به ظاهر در سیاست

دخالتی نداشت یک باره رنگ عوض کرده در صف انقلابیون جای می گیرد. برای مشروعیت دادن به این کار تبصره هائی به اساسنامه ذکر شده انجمن اضافه می شود. از قبیل تبصره شماره ۴: "افراد انجمن می توانند به شخصه در هرگونه فعالیت های سیاسی، نظامی یا اجتماعی که تحت اشراف یا مورد تأیید مراجع عظام شیعه باشد شرکت نمایند." و در آخر اعلام می کند: "انجمن مجاهدت خود را در زمینه مبارزه با فرقه گمراه بهائیت در کنار دیگر خدماتش تا از بین رفتن کامل امکانات اجتماعی و اقتصادی و تشکیلات بهائی ادامه می دهد." (۱۶)

به این ترتیب انجمن قصد نابودی جامعه بهائیان ایران را در همه زمینه ها در سر می پروراند. حجت الاسلام خونینی ها در مصاحبه با روزنامه کیهان راجع به حجتیه چنین می گوید: "بعد از پیروزی انقلاب بسیاری از نیرو های مؤمن از انجمن جدا شدند که موجب تضعیف آن شد. ولی از بین نرفت." (۱۷)

انجمن حجتیه بعد از انقلاب بخشی از نیرو های خود را از دست می دهد ولی در مبارزه با بهائیت به هیچ وجه تضعیف نمی شود. بلکه بر عکس از احساسات تحریک شده مذهبی مردم بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی هم استفاده می کند. مخالفت جدا شدگان از انجمن بر سر عدم اجازه دخالت علنی در مسائل سیاسی بوده است. و الا در مخالفت با بهائیان کما فی السابق هم عقیده بودند. بدین ترتیب انجمن حجتیه در پرتو انقلاب به امکانات بیشتری هم دست پیدا کرده است. انجمن از امکانات به وجود آمده بر اثر انقلاب خواستار هر چه بیشتر نفوذ در دستگاه دولت می شود. آقای مهندس طیب از جداشدگان انجمن حجتیه چنین می گوید: "علت این که تلاش می کنند تا مسؤلیتهائی را به دست آورند این است که می خواهند آن طرز فکر و برداشتی را که از اسلام دارند با وجود خودشان در ارگان ها به اجرا در آورند." (۱۸)

از جمله نهادهائی که انجمن حجتیه چشم طمع به آنها دوخته بود می توان سپاه پاسداران، جهاد، حزب جمهوری اسلامی، استانداری ها، دادگاه های انقلاب و به ویژه آموزش و پرورش بود. افراد نفوذی حجتیه در تمامی این نهاد ها رخنه کرده بودند و در برخی از شهر ها نظیر اصفهان استانداری ها را قبضه کرده و در برخی از شهر ها با نفوذ در سپاه خود را بر آن مسلط کرده بودند. طاهر احمد زاده در مصاحبه با میثمی نفوذ انجمن حجتیه را در استانداری ها تأیید می کند.

علت اذیت و آزار به بهائیان در اول انقلاب از قبیل اعدام ها، مصادره اموال، اخراج از دانشگاه ها و دستگاه های دولتی به احتمال زیاد توسط افراد انجمن حجتیه انجام گرفتند. کما این که بعد از محدود کردن نفوذ آنها فشار بر جامعه بهائی تا حدودی تخفیف پیدا می کند. اگر روزی اسناد دولتی فاش شد و از نام بازجویان اطلاع حاصل شد می توان در این زمینه به یقین اظهار نظر کرد.

مهندس طیب می گوید نفوذ آنها در آموزش و پرورش مشکلات زیادی برای آقایان رجائی، و با هنر (رئیس جمهور و نخست وزیر دوران اول انقلاب) به وجود آورده بود. رجائی در یک سخنرانی برای مربیان تربیت معلم می گوید: "من انجمنی ها را نمی پذیرم و اینها را ما راهشان نمی دهیم." انجمن حجتیه در دستگاه اطلاعات و امنیت نفوذ فوق العاده ای پیدا کرده بود. تا جائی که آیت الله جنتی در خطبه نماز جمعه در سال ۱۳۶۱ چنین می گوید: "علت اصرار شما دایر بر این که در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات جمع آوری نمائید برای چیست؟ به چه مناسبت شما می خواهید در قسمت فرهنگی فعالیت نمائید یا سیاسی؟ دلیل این که اطلاعات جمع آوری شده را به مرکز بهره وری و به ارگان های انقلابی نمی دهید چیست؟ چرا؟ ... مگر سپاه یا ارگان های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضد انقلاب را پی گیری نمایند. چرا با سپاه به صورت کامل همکاری ندارید؟... آیا شما به خودتان اجازه می دهید از امکانات دولتی استفاده کنید و در رابطه با این سوء استفاده مجوز قانون و شرعی دارید یا نه؟" (۲۰)

در اینجا آقای جنتی از حجتیه ای ها می خواهد که با ارگان ها همکاری کنند ولی مثل اینکه انجمن ادعای بیشتری داشته و قصد کنترل کامل دستگاه های دولتی را داشته است. گستردگی نفوذ انجمن در دستگاه دولت مورد تأیید رئیس انجمن حجتیه آقای حلبی بوده است. وی در نشریه "همگام با انقلاب اسلامی" از انجمن حجتیه مهدویه چنین می گوید: "برادران انجمن در سراسر کشور به حسب احساس مسؤلیت شرعی و اعتقاد راسخ به خدمت در جمهوری اسلامی از اوائل انقلاب به خدمت و

تلاش در نهاد های انقلابی و ارگان های دولتی و قانونی مشغول بوده اند و توانسته اند با ارائه خدمات صادقانه خود به خدمات حساس تری از طرف دست اندر کاران جمهوری اسلامی دعوت شوند... (۲۱)

۶ - انجمن حجتیه و مدافعان آن در اوائل انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حملاتی در رسانه های گروهی، سخنرانی ها و مناظر بر ضد انجمن حجتیه انجام می شد. اما انجمن حجتیه کارهای خود را همیشه توجیه می کرد و به هیچ وجه حاضر به قبول اشتباهات خود نشد. در بین دولت مردان جمهوری اسلامی هم در برخورد با انجمن حجتیه اختلاف نظر وجود داشت. افرادی نظیر هاشمی نژاد، رجائی (رئیس جمهور سابق) و ناطق نوری انتقاد های تندی بر علیه حجتیه ابراز می داشت. در برابر اینها افرادی نظیر آیت الله خزعلی از آنها سخت دفاع می کردند. (۲۲)

از مخالفین انجمن حجتیه دو نفر کشته، یکی از کار بر کنار شده، اما خزعلی کما فی السابق در مرکز قدر جای دارد. آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب "عبور از بحران" می نویسد: "آقای خزعلی در باره انجمن حجتیه و صلاحیت دینی آنها صحبت کرد. و از امام می خواست که امام جلوی موج مخالفت با آنها را که برخاسته بود بگیرند. به بعد موکول شد." (۲۳) آنچه که بعداً مشخص شد امام خمینی به پا در میانی و وساطت آقای خزعلی اهمیتی نمی دهد. برای شناختن موقعیت آیت الله خزعلی باید یاد آور شد که ایشان ۲۸ ماه به عنوان نماینده امام خمینی در انجمن حجتیه عضو شورای نگهبان بود. امام خمینی بعداً او را از نمایندگی در انجمن حجتیه خلع می کند. آیت الله خزعلی انتقادهای پیرامون انجمن حجتیه را جو سازی و شایعه پراکنی می دانست. آقای خزعلی در نامه ای به اربابان محمدی، یکی از فعالین انجمن، چنین می نویسد: "در باره انجمن این روز ها زیاد حرف می زنند. و بیشترش حرف زیادی است. جو سازی و شایعه پراکنی... نگران نباشید و دست خوش جو شایعه نشوید." (۲۴) راجع به نظریات آیت الله خزعلی در این مورد دیرتر صحبت خواهیم کرد.

یکی دیگر از مخالفین انجمن در آن زمان آیت الله جنتی، رئیس فعلی شورای نگهبان، بوده است که قبلاً به آن اشاره کردیم. ولی ایشان بعداً توسط آقای خامنه ای رئیس جمهور وقت مورد اعتراض قرار می گیرد که چرا به خود اجازه داده است از انجمن حجتیه سؤالات ذکر شده را بکند. آقای هاشمی رفسنجانی مخالفت انجمن حجتیه را نمی پسندد و می گوید: "این انجمن در گذشته به منظور مبارزه با بهائیان تشکیل شد و مخالف مبارزه با رژیم پهلوی بود... بعد از انقلاب اینها وارد بسیاری از کارهای دولتی مخصوصاً فرهنگی شدند... نباید مزاحم آنها شد. افراد مسلمان و معتقدی هستند. ولی انقلابی نیستند." (۲۵) هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با مجله "رجعت" معتقد است که باید آنها را تشویق کرد و از توازن نیروهایشان استفاده کرد. (۲۶)

انجمن حجتیه در حوزه علمیه قم هم طرف دارانی دارد. از جمله آنان آقای راستی کاشی، نماینده امام در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بود. او معتقد بود که اعضای انجمن با مسائل اسلامی آشنا و جزو افراد مذهبی و خوب جامعه ما هستند.

رئیس جمهور وقت آیت الله خامنه ای سخنان آیت الله جنتی را که قبلاً به آن اشاره شد مورد انتقاد قرار می دهد و چنین می گوید: "اما این سؤال که اینها چگونه هستند و اشاره به فرمایشات آقای جنتی به نظر من این سؤال یک سؤال طبیعی و درستی نیست. من بدون این که شما را در این سؤال متهم بکنم نفس وجود این مسئله را و عمده کردن مسئله انجمن حجتیه را در جامعه متهم می کنم. و کسانی را که برای اولین بار این شایعه و این بحران مصنوعی سعی کردند که به وجود بیاورند نا خالص می دانم. به نظر من در میان افرادی که در انجمن هستند عناصری انقلابی، مؤمن، صادق، دلسوز برای انقلاب و مؤمن به امام و ولایت فقیه و در خدمت کشور و جمهوری اسلامی پیدا می شوند... جناب آقای جنتی برادر عزیزمان که بنده برای ایشان احترام زیادی قائم پس از آن خطبه ای که طی آن راجع به انجمن حجتیه سؤالاتی کردند یک شب پیش من آمدند. و من از ایشان سؤال کردم که چطور شد این مسئله را مطرح کردی؟ ایشان در حالی که از آنچه که واقع شده بود خوشنود نبودند گفتند: حالا کاری است که صورت گرفته، چگونه باید جبران کنم؟ و من به ایشان پیشنهاد کردم به این

صورت است که شما در نماز جمعه نسبت به کسانی که می خواهند از بیان شما سوء استفاده... بکنند، و به صورت تضاد اصلی انجمنی و ضد انجمنی در بیاورند شما اخطار بکنید... و اگر خود انجمنی ها در پاسخ سؤالات شما یک حرف قابل قبول و قابل تعریف آوردند آن را مجدداً در نماز جمعه مطرح کنید... (۲۷)

بدین ترتیب آیت الله خامنه ای از ایشان می خواهد که از حجتیه معذرت خواهی کند.

۷ - تعطیلی انجمن

همه اقدامات طرفداران انجمن در برابر نظریات امام خمینی رنگ می بازد و یک اشاره ضمنی از ایشان کافی است که مسؤل انجمن خود تعطیل انجمن - و البته نه انحلال آن را! - اعلام کند. با بروز اختلافات بین افراد حجتیه و طرف داران دولت در سبزه وار کار به زد و خورد نظامی می کشد که نتیجه آن کشته و زخمی شدن عده ای از طرفین است. در شهر های دیگر مثل بوشهر، اصفهان و کرمانشاه هم اختلافات به تظاهرات و زد و خورد های خیابانی منجر می شود. آقای خمینی که از ابتدا نسبت به انجمن حجتیه بدبین بوده است به وزیر کشور ناطق نوری و علی اکبر پرورش، وزیر آموزش و پرورش، نظر خود را نسبت به انجمن چنین ابراز می کند: "به آنها پست کلیدی ندهید. خطرناکند. وقتی آمدند بین شما تفرقه ایجاد می کنند، تشنت ایجاد می کنند. برادران را به جان هم می اندازند. آنها کار دیگری دارند. دنبال مسئله دیگری هستند. اینها با شاه همکاری می کردند. برایشان مسئله دین مطرح نبوده است." (۲۸)

بعد از این وقایع آقای خمینی بدون توجه به توصیه ها و طرفداری ها از انجمن حجتیه تصمیم خود را بر علیه آنها اتخاذ می کند. و در سخنرانی عید فطر چنین می گوید: "یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید که معصیت زیاد باشد تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چه می آید؟ حضرت صاحب می آید معصیت را بردارد. ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید و این دسته بندی ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان، اگر ملی هستید این دسته بندی ها را بردارید. در این موجی که الان این ملت را به پیش می برد در این موج خودتان را وارد کنید و بر خلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست." (۲۹)

بعد از این سخنرانی از رهبر انقلاب رهبری انجمن حجتیه به دست و پا میافتد و از آقای حلبی رئیس انجمن کسب تکلیف می کند. ایشان بعد از اطلاع از متن سخنرانی امام دستور می دهد که انجمن تعطیل شود و به اعضا و مردم ایران اعلام شود. اما به حکم تقیه که در تشیع مجاز است فعالیت های خود را در خفا دنبال می کنند. در اعلامیه ای که در یک مرداد ۱۳۶۲ انجمن حجتیه منتشر کرد چنین می خوانیم: "در پی این فرمایش شایع شد که طرف خطاب امر مبارک این انجمن است اگر چه به هیچ وجه افراد انجمن را مصداق مقدمه بیان فوق نیافته و نمی یابیم و در ایام گذشته به خصوص از زمانی که حضرت ایشان با صدور اجازه مصرف انجمن از سهم امام علیه السلام این خدمات دینی و فرهنگی را تأیید فرموده بودند هیچ دلیل روشن و شاهد مسلمی که دلالت بر صلاح دید معظم له به تعطیلی انجمن نماید در دست نبود. معذک در مقام استفسار برآمدیم. البته تماس مستقیم میسر نگشت لیکن با تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت های محترمه موثقه و بنا به قرائن کافیه محرز شد که مخاطب امر معظم له این انجمن می باشد. لذا موضوع توسط مسؤلین انجمن به عرض مؤسس معظم و استاد مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حلبی دامت برکاته رسید. فرمودند: در چنین حالتی وظیفه شرعی در ادامه فعالیت نیست. کلیه جلسه ها و برنامه ها باید تعطیل شود." (۳۰)

در ادامه اعلامیه یاد آور می شود که ما در زمان حکومت شاه از خدمات و فعالیت های اسلامی ممنوع و محروم نمی شدیم ولی اکنون که حکومت اسلامی است ممنوع می شویم و در برابر این فشار ها باید تقیه کنیم.

به گفتار میرزا محمد تقی اصفهانی: "معنی تقیه که واجب است این است که شخص مؤمن در جانی که اظهار حق کردن برای او خوف، ضرر عقلانی به جان یا مال یا ابروی او هست خود را ننگه دارد و اظهار حق نکند. بلکه اگر ناچار شد به جهت حفظ جان یا مال یا ابروی خود به موافقت کردن با مخالفان به زبان با آنها موافقت کند لیکن قلب او مخالف زبان او باشد." (۳۱)

در بخش بعدی نشان می دهیم که انجمن حجتیه بعد از دستور امام خمینی به مخفی کاری روی آورد و در نهاد های کشور نه تنها که نفوذ خود را حفظ کرد بلکه آن را تشدید کرد. تا آنجائی که آیت الله توسلی در مصاحبه با خبرنگار ایسنا می گوید: "خطر انتقام حجتیه از امام جدی است." (۳۲)

امام خمینی با هوشیاری در یافته بود که تعطیلی انجمن فقط به خاطر حفظ ظاهر و عدم قدرت در رویارویی با رهبر انقلاب بود: "امام در یک جلسه خصوصی با اشاره به این که انجمن خود را تعطیل کرده نه منحل آن را بی فایده خوانده بود." (۳۳)

آنطور که بعداً مشاهده شد تعطیلی انجمن حجتیه چیزی جز ظاهرسازی نبوده. و آنها کما کان به فعالیت خود ادامه دادند. اکنون با توجه به این که مخالفین انجمن حجتیه تا حدود زیادی از گردونه قدرت خارج شده اند می توان حدس زد که در آینده چه اتفاقاتی بروز خواهد کرد. انجمن فعلاً اهرم های قدرت را تا حدود زیادی در دست دارد اما به فکر قبضه کردن کامل قدرت و برکناری آیت الله خامنه ای است.

۸ - فعالیت های مجدد انجمن

در سال های اخیر طرف داران انجمن با بهره گیری از روحانیون طرفدار خود به نیروی عمده در جامعه ایران تبدیل شده است. آیت الله خزعلی از دوستان و یاران نزدیک مصباح یزدی و طرف داران جدی حجتیه بعد از چند سالی سکوت مجدداً درباره انجمن چنین می گوید: "ما انجمن حجتیه را قبول داریم و از آن دفاع می کنیم... کسانی را که من در این انجمن می شناسم البته مایلند راجع به مقابله با بهائیت هم فعالیت انجام دهند و البته وزیر اطلاعات گفته اند که ما نیز حاضریم اینها را بپذیریم." (۳۴)

آیت الله خزعلی همچنین در گفتگو با خبرنگار ایسنا چنین می گوید: "مطالبی که در مورد انجمن حجتیه می نویسند و می نوشتند اشتباه است. من موضوع را با وزیر اطلاعات (حجت الاسلام یونسی) در میان گذاشتم... به آنها اتهام می زنند که سعی می کنند فساد زیاد شود تا امام زمان عج ظهور کند. ولی اینها نماز شب می خوانند و تهجد دارند." (۳۵)

آیت الله خزعلی درباره وضعیت انجمن بعد از سالهای تعطیلی اظهار کرد که: "آنها منحل نشده اند فقط کار نمی کنند..." و میافزود: "الان دستگاه انتظار دارد که بیایند و مشغول کار شوند. به خود بنده گفتند بیایند ما هم به آنها کمک می کنیم. فهمیدند که اینها آنطور نیستند. و الان به آنها احتیاج دارند. افراد ارزنده ای دارند... بعضی از آنها سمت هائی دارند و از افراد برجسته حجتیه بوده اند. حجتیه ای ها الان هم هستند. مشغول کارهای دینی خودشان هستند. جلسه دارند..." (۳۶)

به نظر علی تاجر نیا، نماینده شهر مشهد در مجلس، انجمن حجتیه مورد حمایت بخشهایی از حاکمیت است: "یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: اظهارات معاون وزیر اطلاعات در امور فرقه ها تأیید کننده تحلیلی است که انجمن حجتیه را مورد حمایت بخشهایی از حاکمیت می داند." تاجر نیا با اشاره به این که "وزارت اطلاعات اشراف خوبی بر فعالیت جریان هائی چون انجمن حجتیه دارد تصریح کرد: متأسفانه پس از آنکه برخورد با جرائم این جریان ها از فاز اطلاعاتی وارد فاز قضائی می شود مسامحه زیادی صورت می گیرد. به عقیده این نماینده مجلس اهرم هائی وجود دارند که مانع از برخورد با رده های بالای این جریان که بعضاً در بخشهایی از حاکمیت حضور دارند می شود." (۳۷)

بدین ترتیب جای شکی باقی نمی ماند که انجمن حجتیه کما فی السابق از نفوذ زیادی بر خوردار است. یکی دیگر از طرفداران حجتیه آقای تاج الدین محرابی است. ایشان معتقد است که اصولاً "از ابتدای انقلاب حرکت غلطی آغاز شد و ان تفاوت نهادن میان گروه های معاند با جمهوری اسلامی با گروه هائی بود که می شد با اصلاحاتی از ظرفیت های آنان برای انقلاب اسلامی بهره برد. یکی از این گروه ها که همچون دشمن خونی با آن رفتار شد انجمن حجتیه بود. فریاد هائی هم که به دفاع از آن برمی خاست و یکی از آنها آیت الله خزعلی بود اصلاً مورد توجه کسی قرار نرفت." (۳۸)

دلیل دیگر بر نفوذ تفکرات انجمن حجتیه بین دولت مردان ایران نطق احمدی نژاد در قم قبل از اشغال پست ریاست جمهوری است. سخنرانی ایشان تحت عنوان "دستهای خبیثی که با بهانه حجتیه ای می خواهند نام امام زمان به فراموشی سپرده شود" به مضمون چنین می گوید: اصلاً بدون اعتقاد و اتکا

به امام معصوم هیچ حرکت مثبتی در عالم اتفاق نخواهد افتاد. ما غافل هستیم از این که امام داریم. امامی که حی است و امامت می کند. واسطه ارتباط با آسمان است. و آنچه زیبایی در عالم هست به واسطه وجود او است. و هر نوع حرکت مثبتی به واسطه او است. خدا لعنت کند دستهای خبیثی را که به محض این که نام امام زمان را می برید می گویند این حجتیه ای است." (۳۹)

آقای احمدی نژاد با مطرح کردن این مسئله مخالفت ضمنی خود را با ولایت فقیه آشکار می کند و همان حرفی را می زند که انجمن حجتیه می زد و خشم امام خمینی را برانگیخت تا دستور تعطیلی آن را داد.

یکی دیگر از نویسندگانی که قصد اعاده حیثیت از انجمن حجتیه دارد آقای رسول جعفریان است. ایشان اشاره به فعالیت های علمی حجتیه می کند و معتقد است که بدون تردید انجمن سهم بزرگی در آموزش دینی برای نسل جدید داشته. و برای مبارزه با بهائیت چاره ای جز عدم مداخله در سیاست نداشته است. این تربیت فکری تنها در برابر بهائیت نبود بلکه به جوانان آنطوری آموزش داده می شد که در برابر اندیشه های الحادی می توانستند بایستند. (۴۰)

۹- مخالفین انجمن حجتیه

با شروع دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد دور جدیدی از فعالیت و نفوذ انجمن حجتیه در دستگاه دولتی آشکار شد. از این رو مخالفین انجمن هم زنگ خطر را به صدا درآوردن و مشغول افشاگری درباره ماهیت آنها هستند. در این بخش مختصراً به نظریات آنها می پردازیم. یکی از مخالفین حجتیه کاظم جلالی، نماینده شاهرود در مجلس شورای اسلامی، است. ایشان به وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش آقای فرشیدی اعتراض می کند و اضافه می کند: "آخر فردی با چنین دیدگاه و ذهن بسته ای که مدام دم از روحانیت می زند چطور می تواند عصر مدرن را درک کند و به اداره امور بپردازد؟" در ادامه جلالی با اشاره به عدم پاسخ فرشیدی به سؤال کمیسیون مبنی بر عضویت وی در انجمن حجتیه گفت: "بعد از این موضوع شنیدم که آقای فرشیدی در بیرون از کمیسیون مطرح کرده است که من از آنجا که احساس می کردم ممکن است در کمیسیون افرادی عضو انجمن حجتیه باشند از پاسخ امتناع کردم. در حالی که فرشیدی باید نسبت به این سؤال کمیسیون پاسخ صریح و روشن بدهند." (۴۱) بدین ترتیب ملاحظه می شود که انجمن حجتیه آنچنان نفوذ و قدرتی دارد که وزیر پیشنهادی به هر حال جرئت اظهار عقیده در عضویت یا عدم عضویت در انجمن ندارد. اگر حرف ایشان را قبول کنیم اعضای کمیسیون باید از اعضای انجمن حجتیه باشند. و الا عدم پاسخ به سؤال دلیل بارز آن است که ایشان خود عضو انجمن حجتیه است.

بدین ترتیب اشغال پست وزارت آموزش و پرورش که از اول انقلاب مورد نظر انجمن حجتیه بود آخر الامر به دست آنها افتاده است. آیت الله توسلی در گفتگو با ایسنا می گوید: "مسئلاً افرادی با تفکر حجتیه در حال دخالت در امور هستند. در بعضی جاها نفوذ کرده اند. دو گروه می خواهند از امام انتقام بگیرند. یکی انجمن حجتیه است که امام از همان روز اول می دانست اینها چه کسانی هستند. مسئله انجمن حجتیه عادی نبود... شاه به انجمن حجتیه آزادی داده بود تا عده ای به مسئله حضرت بقیت الله مشغول شوند و در مقابل نهضت امام بایستند... آنهایی که ادعای رؤیت امام زمان را می کنند شاید هستند... متأسفانه این قبیل کارها الان شایع شده است." (۴۲) آنطور که مشاهده می شود آقای احمدی نژاد و اعضای کابینه او ادعای آن را دارند که در جلسات هیئت دولت امام زمان حاضر است. لیست نامزدهای انتخابات را امام زمان تأیید کرده است و یا چاه جمکران و بوجه سنگینی که برای آن تعیین کرده اند. تفکرات انجمن حجتیه همانطوری که ذکر شد در کلیه دستگاه های دولتی نفوذ کرده است. به همان دلیلی که امام خمینی ترتیب تعطیلی انجمن حجتیه را داد از همان مجرا و دامن زدن به نزدیکی حضور امام زمان با تفکرات بنیان گذار جمهوری اسلامی مخالفت می کنند. خبرنگار "بازتاب" از تحرکات تازه انجمن حجتیه و بی تفاوتی دستگاه های اطلاعاتی خبر می دهد: "گروهی از سران انجمن حجتیه با اغفال و سازماندهی وسیع تعداد زیادی از جوانان مذهبی با سوء استفاده از بی تفاوتی دستگاه های اطلاعاتی به تحرکات گسترده ای دست زده اند. بنا بر این گزارش یکی از این تحرکات، تهیه بروشوری تبلیغاتی برای این گرایش متحجر تکثیر آن در ده ها هزار نسخه

و توزیع آن در محافل مذهبی است. در این جزوه تأکید شده است که دعا جهت تعجیل در فرج، مثل نمازهای واجب روزانه بر هر زن و مرد مسلمان و مؤمن واجب است و ترک آن مثل ترک نمازهای واجب گناه کبیره و موجب کفر است. در ادامه این مطلب آمده است: علما روحانیون اهل منبر و ائمه جمعه و جماعات و صاحب نظران تنها تئوری پرداز مسائل مربوط به مهدویت بوده اند و هیچ کار انقلابی و عملی جهت تعجیل در فرج انجام نداده اند. این گروه پیشنهاد کرده یک روز خاص به عنوان انقلاب و اجتماع قلوب و دعای کل مردم ایران و سایر شیعیان در کشور های مخالف تعیید و به طوری که تمام مردم جهان متوجه آن شوند تبلیغ شوند. سوگند به خدائی که جان ما در اختیار او است اگر این روز مشخص شود و تمامی منتظران و شیعیان در اماکن مقدس جمع شوند و فرج را طلب نمایند و اگر این روز معین روز جمعه ای باشد یقیناً مولای مان روز شنبه فردایش ظهور خواهد فرمود... این گروه در ادامه مردمی را که به توصیه های آنان عمل نکنند به عذای تحدید و اعلام کرده که بر اثر دعا های آن در مسجد آدینه مرکز گروه یاد شده به عذابی سخت و خوارکننده دچار خواهند شد. انعکاس این تفکرات را در سخنرانی های فراوان آقای احمدی نژاد منجمله سخنرانی وی در سازمان ملل به خوبی می توان دید.

زادسر جیرفتی، نماینده مجلس و عضو فراکسیون اصول گرایان مجلس، به گزارش اینلنا نامه ای به احمدی نژاد چنین می نویسد: "احمدی نژاد خود را منتخب امام زمان (ع) می داند... از آیت الله مصباح یزدی دستور می گیرد... حامی و مروج انجمن حجتیه می باشد... متحجرین را مورد توجه قرار می دهد... مداحان خرافه پرور را پر و بال داده است... و مواردی دیگر از این دست که مستقیم و غیر مستقیم طرح و القاء می کند و غالباً سعی می کنند تا خوانندگان خود را به این باور برسانند که امیدشان به رئیس جمهوری و دولت امیدی «ابتر» است. جدا تقاضا دارد که به هر نحو که صلاح دانید یک بار و برای همیشه مواضع اعتقادی و مدیریتی خود و دولت را راجع به چنطن مباحثی به استحضار مردم برسانید." (۴۴)

آیتالله مصباح یزدی، رئیس و مدیر مدرسه حقانی قم، طرف دار تز ظهور امام، مروج اهداف انجمن حجتیه و پیشوای آقای احمدی نژاد است. آقای احمدی نژاد تا به امروز در جواب نامه نماینده مجلس مطلبی اظهار نکرده است. به گزارش "پیکنت" زیر عنوان "دیدار پر معنی" می نویسد: "برای اولین بار در جمهوری اسلامی گروهی از فرماندهان سپاه سراسر کشور بدیدار آیتالله مصباح یزدی رفتند. مصباح یزدی در این دیدار با اشاره به روی کار آمدن دولت احمدی نژاد به عنوان دولتی اسلامی گفت: در این دوران که نغمه های الهی و شور دینی زنده شده است و پس از سال های طولانی که شاهد کم رنگ شدن ارزش ها بودیم دولتی ارزشی تشکیل شده است. از اینرو باید قدر آن را بدانیم... تشکیل دولت جدید یک نعمت الهی است. اگر شکر این نعمت الهی خوب به جای آورده شود این نعمت افزون خواهد شد. همه چیز ما به ایمان بستگی دارد. اما متأسفانه عده ای با سخنرانی ها و مقالات خود به دنبال از بین بردن ایمان جوانان هستند... احمدی نژاد از مریدان و شاگردان مصباح یزدی است... این دیدار بسیار پر اهمیت است. مصباح یزدی ایدئولوگ و از رهبران تشکیلات احیا شده حجتیه در ایران است. و این دیدار نظامی نشان داد که حجتیه تا مغز استخوان ارگان های نظامی و امنیتی نفوذ کرده است." (۴۵) قبل از انتخابات ریاست جمهوری و نامزد شدن آقای هاشمی رفسنجانی و مخالفت هائی که با وی شد در مقاله ای زیر عنوان "اسلام امام به نزاع هاشمی آمده است یا اسلام حجتیه؟" می نویسد که اسلام حجتیه است که در برابر رفسنجانی قرار گرفته است. آقای احمدی نژاد از طرق فعالیت در جنبش دانشجویی به پستی در حد فرمانداری در یکی از استانهای کشور می رسد. استانی که تحت مسولیت آقای شیخ عطار از سابقه داران انجمن حجتیه بود. تا رسیدن به شهرداری تهران از آقای احمدی نژاد اسمی نبود. اما از دورانی که مهدی چمران یکی دیگر از سابقه داران انجمن حجتیه به ریاست شورای شهر تهران انتخاب شد شهردار شدن احمدی نژاد قابل انتظار بود. بعد از این که احمدی نژاد بر کرسی ریاست شهرداری تهران تکیه زد از آقای شیخ عطار نامبرده را به سردبیری روزنامه "همشهری" انتخاب کرد. به نظر نویسنده پیش و منشی مشابه با حجتیه اکنون در شهرداری تهران حاکم گشته و متأسفانه اکنون عجولانه عزم صعود به

مراتب بالاتر را نیز در سر می پروراند. البته این اظهار نظر نویسنده مربوط به دوران قبل از انتخابات ریاست جمهوری است ولی با انتخاب آقای احمدی نژاد نظر نویسنده کاملاً تأیید گردید. آقای بنی صدر، اولین رئیس جمهور ایران، چنین می نویسد: "از ضد بهائی گری تا تدارک ظهور ولی عصر عج یا استحاله جریان سیاسی به رهبری روحانیت؟ این انجمن دو خاصه داشت: ضد خمینی و جنبش اسلامی و ضد گرایش به سیاست و فعالیت سیاسی. بعدها یک چند از گردانندگان مصباح یزدی و خزعلی و ... ضد شریعتی نیز شدند. بعد از انقلاب با همان طرز فکر اما با تغییر و حذف صفت ضد سیاست و جانشین کردن ضد خمینی با خمینی ستانی به فعالیت خویش ادامه دادند... اما در جریان جنگ هشت ساله فرصت را برای گسترش فعالیت های خود مغتتم شمردند با نفوذ در نهاد های انقلاب به خصوص سپاه مشغول عضو گیری و تربیت کادر شدند. با حضور در جبهه های جنگ موفق شدند شماری از افراد سپاه را به خود جلب کنند تا آنجا که این افراد در خانه های خود محلی را به مسجد برای انجام دعا و نماز توسل و نیز گردهم آئی ها برای بحث پیرامون چگونگی تدارک ظهور ولی عصر اختصاص دادند. اطلاعیه های حاوی روایات مجعول در جبهه ها پخش و سعی در تبدیل طرز فکر خود به فکر غالب بر جبهه ها کردند. با پایان گرفتن جنگ و بازگشتن افراد نیروهای مسلح به شهرها حجتیه ای ها دست به ایجاد تشکلهای زیر زمینی در سپاه و آموزش و پرورش و ... زدند و به کار عضوگیری و تربیت کادر وسعت بخشیدند تا این که در جریان انتخابات قلبی ریاست جمهوری فرصت تلافی را برای رساندن احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری یافتند و آن را مغتتم شمردند... البته انجمن حجتیه سخت ضد بهائی و نیز ضد اهل سنت هست. ... اما سنی ها را به این علت دشمن می دانند که به باور آنها امام زمان حی غائب وجود ندارد." (۴۶)

- (۱) انجمن حجتیه در بستر زمان، گفتگوی آقای میثمی با طاهر احمد زاده
- (۲) در شناخت حزب قاعدین، تألیف ع. باقی، نشر دانش اسلامی، سال ۱۳۶۳، ص ۱۸۳
- (۳) روایتی تازه از انجمن حجتیه، بخش اول، فتاح غلامی
- (۴) مأخذ شماره ۱
- (۵) یاد شده
- (۶) یاد شده
- (۷) مأخذ شماره ۲، ص ۵۸
- (۸) به نقل از فتاح غلامی، ولایتی های بی ولایت، محمد رضا اخگری، ۱۳۶۷، ص ۲۵
- (۹) مأخذ شماره ۲، ص ۱۸۰-۱۹۱
- (۱۰) یاد شده، ص ۳۳۵
- (۱۱) یاد شده، ص ۳۴۰
- (۱۲) یاد شده، ص ۵۲-۵۳
- (۱۳) یاد شده، ص ۳۸-۳۹
- (۱۴) یاد شده، ص ۸۱-۸۲
- (۱۵) یاد شده، ص ۲۱۲
- (۱۶) یاد شده، ص ۷۶
- (۱۷) روزنامه کیهان، ۲۱ مرداد ۱۳۶۲
- (۱۸) مأخذ شماره ۲، به نقل از آزادگان، ۳ اسفند ۱۳۶۰، ص ۸۷
- (۱۹) یاد شده ص ۸۸
- (۲۰) خطبه نماز جمعه آیت الله جنتی ۱۳۶۱/۷/۹
- (۲۱) نشریه همگام با انقلاب اسلامی انجمن حجتیه مهدویه، ص ۱۵-۱۶
- (۲۲) آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی کد ۵۳۲۷
- (۲۳) عبور از بحران، تألیف هاشمی رفسنجانی، نشر معارف اسلامی، سال ۱۳۷۸، ص ۲۷۷
- (۲۴) مأخذ شماره ۲۲
- (۲۵) مأخذ شماره ۲۳
- (۲۶) مصاحبه هاشمی رفسنجانی با مجله رجعت ۱۳۶۰/۱۱/۵
- (۲۷) مصاحبه آیت الله خامنه ای با روزنامه اطلاعات ۱۳۶۰/۱۱/۶
- (۲۸) سخنرانی برادر آقا محمدی نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی، روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۱/۳۰
- (۲۹) بخشی از سخنان امام خمینی به مناسبت عید فطر ۲۱ تیر ماه ۱۳۶۲ به نقل از باقی

- (۳۰) مأخذ شماره ۲، ص ۵
- (۳۱) وظیفه مردم در غیبت امام زمان (عج)، تألیف حاج میرزا محمد تقی اصفهانی ص ۱۶۲
- (۳۲) گفتگوی آیت الله توسلی با خبرگزاری ایسنا ۷ مرداد ۱۳۸۴
- (۳۳) پایگاه خبری شریف نیوز، "اعاده حیثیت از انجمن حجتیه"، ۲۰ دی ماه ۱۳۶۴
- (۳۴) مصاحبه آیت الله خزعلی با سیاست امروز ۲۹ تردیبهشت ۱۳۸۳
- (۳۵) گفتگوی آیت الله خزعلی با ایسنا، خبر نامه رویداد، شهریور ۱۳۸۳
- (۳۶) برگی از تاریخ خبرگزاری دانشجویان ایران، تهران، سرویس تاریخ
- (۳۷) بولتن سیاسی ایرانیان، ایران امروز، ۱۷ شهریور ۱۳۸۱
- (۳۸) سایت بازتاب، انجمن حجتیه و ولایت فقیه، ۱۸ بهمن ۱۳۸۳
- (۳۹) گزارش خبرنگار مجله خورشید مکه، ۳ دی ۱۳۸۳
- (۴۰) شریف نیوز، پایگاه تحلیلی دانشجویان به نقل از کتاب جریانها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران، تألیف رسول جعفریان ۱۳۸۳، ص ۳۶۸-۳۷۸
- (۴۱) کاظم جلالی نماینده شاهرود در مجلس شورای اسلامی، سایت امروز، ۱۳۸۴/۸/۱۸
- (۴۲) مأخذ شماره ۳۲
- (۴۳) سایت بازتاب [۲۴ شهریور ۱۳۸۴
- (۴۴) گزارش ایلنا، سایت امروز ۱۳۸۴/۸/۲۵
- (۴۵) پیک نت، ۸۹/۱۱/۵
- (۴۶) انقلاب اسلامی، شماره ۶۳۵، از ۵ تا ۱۸ دی ۱۳۸۴، ص ۳

ضمیمه: اساسنامه انجمن حجتیه

مقدمه: به منظور فعالیت‌های علمی و آموزشی و خدمات مفید اجتماعی، با الهام از تعالیم عالیه اسلام و مذهب شیعه جعفری برای پرورش استعداد و تربیت انسان‌های لایق و کاردان و مقید به تقوی و ایمان و اصلاح جهات مادی و معنوی جامعه، مؤسسه‌ای به نام (انجمن خیریه حجتیه مهدویه) به قصد صد در صد غیرانتفاعی به شرح زیر تأسیس می‌شود.

فصل یکم: اسم، موضوع، هدف، مرکز و مدت و دارایی

ماده اول: اسم مؤسسه (انجمن خیریه حجتیه مهدویه) است که این اساسنامه به اختصار انجمن نامیده می‌شود.

ماده دوم: موضوع و هدف: منظور از تشکیل انجمن، اجرای اموری است که ذیلاً شرح داده می‌شود: تبلیغ دین اسلام و مذهب جعفری و دفاع علمی از آن با رعایت مقتضیات زمان به روش‌های مختلف زیر:

- ۱- تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی و دینی در نقاط مختلف کشور با رعایت مقررات عمومی
- ۲- چاپ و پخش جزوات و نشریه‌های علمی و دینی با رعایت قوانین مطبوعاتی کشور
- ۳- تأسیس کلاسهای تعلیم و تدریس اخلاقی و معارف اسلامی با رعایت مقررات عمومی
- ۴- ایجاد کتابخانه و قرائت‌خانه و اماکن ورزشی با رعایت قوانین مربوطه
- ۵- انجام امور خیریه عمومی و مساعدت فرهنگی مؤسسات اسلامی و اخذ تماس با مجامع مشابه بین‌المللی با نظر مقامات ذیصلاحیت
- ۶- تدارک جلسات آموزشی به منظور تربیت افراد برای مناظرات و مباحثات علمی، ادبی و مذهبی در محافل اسلامی با رعایت مقررات
- ۷- تأسیس هر نوع مؤسسه فرهنگی نظیر دبستان، دبیرستان، مدارس عالیه و پرورشگاه با رعایت قوانین
- ۸- ایجاد هر نوع مراکز درمانی نظیر بیمارستان و درمانگاه با رعایت مقررات وزارت بهداشتی

تبصره ۱- موضوع و هدف انجمن، ثابت و تا زمان ظهور حضرت بقیه‌الله امام زمان « ارواحنا فداه» لایتغیر خواهد بود اما برنامه‌های آن با توجه به شرایط زمان و نیاز جامعه، می‌تواند بر اساس حفظ هدف ملی و رعایت مقررات این اساسنامه تغییر و یا تعمیم شود.

تبصره ۲- انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، بر عهده نخواهد داشت.

ماده ۳- مراکز انجمن در تهران است و صندوق پستی شماره... برای مکاتبات آن در اختیار می‌باشد. در صورت اقتضا هیأت مؤسس می‌تواند با نظر مقامات ذی‌صلاحیت، نماینده گروه یا شعب انجمن را در تهران یا دیگر نقاط، اعم از داخل یا خارج کشور دایر نماید و افراد نیکوکار را به نمایندگی انجمن برای اجرای اهداف اساسنامه به خدمت دعوت کند. (ماهیت ضدانقلابی انجمن حجتیه را بشناسیم، بی‌نا، بی‌تا، ص ۷۹)